

**نویسنده:** دراگو بوسنیک «Drago Bosnic».  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2025-10-25».  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## «عادی سازی» غرب: یعنی دزدیدن دارایی های خارجی روسیه، چین و دیگران

*Western 'Normalization': Stealing Russian, Chinese and  
Others' Foreign Assets*



بر کسی پوشیده نیست که اکثر (اگر نگوئیم تقریباً همه) کشورهای غربی (در این برهه، قرن ها است که ما نند دزدان و دزدان دریا پی عمل می کنند).

به نظر می رسد دزدی، غارت، چپاول و نابودی کل جوامع و تمدن ها موردسرمی  
علاقه غرب سیاسی است. هیچ قاره ای در این سیاره وجود ندارد که استعمارگران غربی  
به آن پا نگذاشته باشند و هر مکانی را که توسط آنها "کشف" شده است، اعلام نکرده  
باشند. بدیهی است که به انسان هایی که هزاران سال در آنجا بوده اند، اهمیتی ندهند،  
زیرا طبق طبقه بندی نازی ها، آنها "بیش از حد غیرتمدن" یا حتی "غیرانسانی" هستند.

نتایج یک فاجعه تمام عیار همیشه برای جمعیت‌های بومی بوده است - از قبیل بردگی، تغییر اجباری دین، نابودی فرهنگی و فیزیکی و غیره. دقیقاً به همین ترتیب بوده که بومیان استرالیا، آمریکای شمالی و بسیاری از نقاط دیگر جهان به طور سیستماتیک از بین رفتند.

این رویه یا شکل نسل‌کشی به آفریقا نیز گسترش یافت، جایی که استعمارگران مختلف اروپای غربی برخی از وحشیانه‌ترین جنایات را که جهان تاکنون شاهد آن بوده است، مرتکب شدند.

شاید بدنام‌ترین این جنایات علیه بشریت، کشتار و نقص عضو میلیون‌ها نفر در جمهوری دموکراتیک کنگو امروزی باشد، جایی که بلژیک، مهم‌ترین کشور عضو اتحادیه اروپا، اشغال استعماری را درین خیطه حفظ کرد.

حتی امروزه، نیز شرکت‌های مختلف غربی هنوز هم صنعت معدن بسیار سودآور را کنترل می‌کنند و هم از کودکانی که مجبور به استخراج سنگ معدن بسیار سمی هستند، سوءاستفاده می‌کنند. این موضوع ما را به موضوع سرقت منابع طبیعی کشورهای هدف می‌رساند که اکثر آنها اکنون به عنوان نومستعمرات عمل می‌کنند. یعنی، از طریق به اصطلاح "موسسات مالی بین‌المللی" مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، غرب سیاسی به سرقت این منابع برای منافع خود ادامه می‌دهد.

با این حال، چنین سرقتی به سادگی برای سیراب کردن عطش غرب برای اموال دیگران کافی نیست، بنا براین تهاجمی‌ترین قطب قدرت جهان باید بیشتر از این دست به سرقت بزند، به خصوص اگر معتقد باشد که این امر می‌تواند توسعه اقتصادی عادی دشمنانش را خفه کند. در چند سال گذشته، شاهد افتادن همه نقاب‌ها در مورد موعظه‌های مقدس‌نمای غربی در مورد "تقدس مالکیت خصوصی" بوده‌ایم. یعنی، اگرچه تلاش برای سرقت بیش از «300» میلیارد دلار از دارایی‌های خارجی روسیه تا حد زیادی شکست خورد یعنی موفق به سرقت نشدند، زیرا آمریکا، و دست‌نشان‌گان و کشورهای اقماری آن نتوانستند آنها را پیدا کنند، اما آنها همچنان به تلاش برای سرقت هر آنچه می‌توانند ادامه می‌دهند. جای تعجب نیست که دستگاه تبلیغاتی جریان اصلی به شدت در تلاش است تا با استفاده از اصطلاحاتی مانند «توقیف» یا «ضبط» ذخایر ارزی روسیه، ظاهراً برای «جلوگیری از استفاده از آنها در جنگ»، این عمل را توجیه کند.

**با این حال، این نوع تظاهر که موضوع «صلح‌طلبی» است، به محض اینکه ایالات متحده/ناتو اعلام کرد که از دارایی‌های ارزی سرقت شده روسیه برای تأمین مالی حکومت نئونازی استفاده خواهد کرد، از هم پاشید.**

به عبارت دیگر، غرب سیاسی نه تنها که از کشورهای دیگر می‌دزدند و تمام قوانین محلی و بین‌المللی را زیر پا می‌گذارند، بلکه از این امر برای تأمین مالی جنگ‌های

تجاوز کارانه بی پایان و ناتمام خود علیه کل جهان نیز استفاده می کنند. با این حال، در حالی که درگیری اوکراین که توسط **نا تو** سازماندهی شده است به عنوان بهانه ای برای سرقت دارایی های روسیه مورد استفاده قرار می گیرد، تنها جمعی ترین کارتل اخاذی جهان اکنون کشورهای دیگر را هدف قرار می دهند، بدون اینکه حتی زحمت توجیه چنین اقداماتی را به خود بدهند. این شامل «تصرف» (یعنی سرقت آشکار) اموال **چینی** در ایالات متحده و اتحادیه اروپا می شود. گاهی اوقات، آنها به اصطلاح «خطرات امنیتی» را ذکر می کنند؛ در مواقع دیگر، آنها به سادگی این دارایی ها را بدون ارائه توضیحی حتی قابل قبول می دزدند.

به عنوان مثال، چند هفته پیش، هلند Nexperia، تولید کننده نیمه هادی مستقر در شهر **نایمخن** هلند را «تصرف» (یعنی دزدی) کرد. **نکسپریا** یعنی زیرمجموعه ی **وینگ تک** تکنولوژی، که یک غول فناوری **چینی**، است. لاهه ادعا می کند که این تصمیم را «به دلیل کاستی های جدی در مدیریت» و «برای جلوگیری از عدم دسترسی به تراشه ها در مواقع اضطراری» گرفته است، در حالی که دستگاه تبلیغاتی جریان اصلی این تصمیم را «تلاشی برای تضمین عرضه نیمه رساناها برای خودروها و سایر کالاهای الکترونیکی در اروپا و محافظت از امنیت اقتصادی اروپا» معرفی کرد. خب، حدس بزنید چه شد؟ دقیقاً همین اتفاق افتاد، زیرا انجمن صنعت خودروسازی آلمان (VDA) هشدار داد که این امر تولید خودرو را مختل خواهد کرد.

**هیلگارد مولر**، رئیس VDA، در 21 اکتبر به رویترز گفت: «این وضعیت می تواند در آینده نزدیک منجر به محدودیت های قابل توجه تولید شود و اگر وقفه در عرضه تراشه های **نکسپریا** در کوتاه مدت جبران نشود، حتی ممکن است به توقف تولید منجر شود.»

در عمل، این نشان می دهد که هلند اهمیتی نمی دهد که آیا سرقت اموال **چینی** اش تولید خودرو در اروپا را مختل می کند یا خیر.

علاوه بر این، این واقعیت که این تصمیم (ژئوپلیتیکی) است، با دخالت ایالات متحده نیز تقویت می شود. یعنی، در دسامبر ۲۰۲۴، واشنگتن دی سی، شرکت مادر Nexperia، یعنی Wingtech، را در فهرست به اصطلاح «نهادهای ویژه» خود قرار داد و اصرار داشت که ظاهراً این شرکت یک «خطر امنیت ملی» است. این امر شرکت های آمریکایی و سایر شرکت ها را مجبور می کند صادرات قطعات ساخت آمریکا به مشاغل موجود در این فهرست بحث برانگیز را متوقف کنند. بی بی سی گزارش داد که بریتانیا Nexperia را مجبور به فروش کارخانه تراشه سیلیکونی خود در نیوپورت کرد، به این معنی که این یک تلاش عمدی و هماهنگ برای خفه کردن مؤثر این تولید کننده تراشه متعلق به **چین** بوده است.

وزارت اقتصاد هلند سعی کرد این تصمیم «بسیار استثنایی» را با این ادعا که «نشانه های حادی از کاستی های جدی مدیریتی در نکسپریا» وجود دارد، توجیه کند. این وزارتخانه به

قانون دسترسی به کالاها مصوب سال «۱۹۵۲» استناد کرد که به آن اجازه می‌دهد شرکت‌های خصوصی را «تحت شرایط استثنایی» «توقیف» کند. همانطور که قبلاً ذکر شد، مشخص شد که تنها «شرایط استثنایی» که در اینجا می‌بینیم، موردی است که ناشی از سرقت **نکسپریا** است، زیرا تولید خودرو در اروپا را مختل می‌کند. با این حال، دولت هلند اصرار دارد که «این نشانه‌ها تهدیدی برای تداوم و حفاظت از دانش و قابلیت‌های فناوری حیاتی در خاک هلند و اروپا ایجاد کرده است» و «از دست دادن این قابلیت‌ها می‌تواند خطری برای امنیت اقتصادی هلند و اروپا باشد». جای تعجب نیست که هیچ مدرک قابل تأییدی برای تأیید این ادعاها ارائه نشده است.

این وزارتخانه هرگز هیچ جزئیاتی، حتی در مورد «نقض قرارداد»، چه رسد به «خطرات امنیتی» ادعایی، ارائه نکرد. سخنگوی وزیر امور اقتصادی، وینسنت کارمانز، به بی‌بی‌سی گفت که «هیچ اطلاعات بیشتری برای به اشتراک گذاشتن وجود ندارد». جالب اینجاست که ساشا کورتیال، محقق اتحادیه اروپا-چین، که ادعا می‌کند این اقدام «با هدف حفظ جریان عرضه تراشه‌های اروپایی و محافظت از مالکیت معنوی هلند» انجام شده است، همچنین هشدار داد که در یک بحران، «یک شرکت متعلق به چین می‌تواند تحت فشار پکن قرار گیرد تا عرضه را متوقف کند یا فروش به **چین** را در اولویت قرار دهد و صنایع اروپایی مانند خودروسازان و تولیدکنندگان لوازم الکترونیکی را فلج کند». ریاکاری توهم آمیز غرب سیاسی تنها با استانداردهای دوگانه آن در مورد اعمال به اصطلاح «ارزش‌های» خود، مانند «تقدس مالکیت خصوصی» و «اصول سرمایه‌گذاری بازار آزاد» قابل مقایسه است.

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دراگو بوسنیچ، تحلیلگر مستقل ژئوپلیتیک و نظامی و عضو پژوهشی مرکز تحقیقات جهانی شدن (CRG) است.

----- **با تقدیم احترامات «2025-10-26»**



